



فرهنگ عمومی جامعه / مد نوآوری فرهنگی نیست

مد نمی‌تواند به عنوان نوآوری فرهنگی مطرح باشد، چرا که نوآوری یا برخاسته از عناصر موجود در فرهنگ جامعه است و یا ناشی از از نیازهای جامعه و آنچه که فرهنگ جامعه اقتضا می‌کند.

خبرگزاری مهر- مد نمی‌تواند به عنوان نوآوری فرهنگی مطرح باشد، چرا که نوآوری یا برخاسته از عناصر موجود در فرهنگ جامعه است و یا ناشی از از نیازهای جامعه و آنچه که فرهنگ جامعه اقتضا می‌کند.

مردم پدیدآورنده و حافظ فرهنگ بشری اند اما این نقش اساسی گاه می‌تواند نامنظم، ناهماهنگ پراکنده و گاه کاملاً منسجم و برنامه ریزی شده باشد.

در جهان امروز که نقش فرهنگ نسبت به گذشته فزونی یافته، ضرورت هماهنگی و هم سویی صاحب نظران، کارشناسان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود.

جامعه والا و بالارزش، جامعه ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکات اجتماعی بازشناخته و آنها را از تظاهرات و تمایلات دروغین یا گذرا تفکیک کرده و قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد.

شرط لازم برای تحقیق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور زمامداران واقع گرا و اصول گرا بتوانند به منظور همراهی با جریان عظیم و عمیق و اصیل فرهنگ در جامعه و حداکثر بهره گیری از دریای لایزال اراده و ایمان معنوی و الهی مردم به طور هماهنگ و همسو برنامه ریزی کرده و مهمترین محورهای لازم برای این حرکت را تشخیص داده و تعیین کنند.

پس نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی حقیقتاً انقلاب فرهنگی است و می‌توانیم بگوییم بیشترین و مهم ترین تلاش ما و توانمندی ما باید برای تکامل و توسعه در تحرک فرهنگی و شئون فردی و اجتماعی به بهترین نحو صرف شود.

فرهنگ یا تمدن به مفهوم کمی مجموعه پیچیده ای است که مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی ها و عاداتی است که بشر به عنوان عنصری از جامعه اخذ می نماید.

فرهنگ در هر رشته ای معنای خاصی دارد، فرهنگ را به بیانی می توان دریای گسترده ای دانست که تمامی وجوه زندگی بشر را احاطه کرده است و در میان واژه فرهنگ عمومی یکی از مقولاتی است که در این باب مطرح است.

فرهنگ عمومی به خودی خود می‌تواند به معنای فرهنگ غالب و گسترده ای باشد که در میان عموم جامعه رواج و رسوخ دارد.

با این تعبیر می‌توان فرهنگ عمومی را فرهنگی بدانیم که در میان توده مردم رواج دارد و مجموع مردم را به شرکت در ترویج ارزشهای فرهنگی فرا می‌خواند و فرهنگ توده مردم را گسترش بخشیده روابط اجتماعی را هماهنگ ساخته و بر حیات اجتماعی اثر می‌گذارد.

فرهنگ عمومی حوزه ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه و شکل ها و سازمانهای غیر دولتی است.

برخلاف حوزه فرهنگ رسمی که در نهایت اجبار فیزیکی از آن حمایت می‌کند حوزه فرهنگ عمومی عمدتاً بر پذیرش و امتناع استوار است و عدم پای بندی به آن مجازات به معنای حقوق کلمه، را در پی ندارد.

مفهوم فرهنگ عمومی می‌تواند در تقابل مردم دولت نیز معنا پیدا کند. هنگامی که دولت و حکومت با برنامه ریزی خود برای دستیابی به اهدافی تلاش می‌کنند بر اساس ارزشهای مورد قبول عمل می نمایند.

قرار گرفتن فرهنگ عمومی در کنار فرهنگ آموزشی، اشاره به اصلاح فرهنگ عمومی به عنوان تصیح عادات، اخلاق و روشهای زندگی مردم، تقسیم بندی فرهنگ عمومی به وجوه بارز و اخلاقیات، بیان مصداق هایی چون وجدان کاری، خطرپذیری، احترام به بزرگترها،

مهمان دوستی، اشاره به عدالت اجتماعی به عنوان ارزشی که دوست ها می‌توانند به آن تحقق ببخشند حاکی از آن است که فرهنگ عمومی می‌تواند حوزه ای از فرهنگ در کنار فرهنگ رسمی محسوب شده که حکومت مفسر و متولی آن است.

بحث در آسیب شناسی فرهنگ عمومی نهایتاً می‌تواند بحثی مبتنی بر ارزش داوریهایی گوناگون تلقی شود. زیرا نفس هرگونه آسیب شناسی در مقولات مورد توجه علوم اجتماعی، انسانی و فرهنگی یا متکی بر مبنای نظری مشخص و مدون صورت گیرد و یا متکی بر پاره ای مصالح و مقتضیات گروهی و اجتماعی یکی از عوامل متعدد آسیب پذیری فرهنگ عمومی مد است.

مد اشاعه سریع کالا و گرایش به یک حرکت یا رفتار در میان قشرهایی از افراد جامعه است که می‌تواند ناشی از نیازهای روانی و یا نقاط ضعف افراد و حس برتری طلبی، تعدد خواهی، تنوع طلبی، میل و هوس، چشم و هم چشمی، احساس کمبود و.... باشد.

فرهنگ هر جامعه از هر جنبه های مادی و غیر مادی تشکیل شده است. اجتماعات و جوامع بشری، برای ادامه حیات گروهی هماهنگ و آماده سازند. مد غیر از این که در فرایند جامعه پذیری اختلال ایجاد می‌کند و موجب عدم رعایت برخی از هنجارهای اجتماعی می‌شود در فرهنگ پذیری نیز اختلال ایجاد می‌کند و گاه به عنوان عارضه یی مهم در نظر گرفته می‌شود.

از سویی دیگر مد نمی‌تواند به عنوان نوآوری فرهنگی مطرح باشد، چرا که نوآوری یا برخاسته از عناصر موجود در فرهنگ جامعه است و یا ناشی از از نیازهای جامعه و آنچه که فرهنگ جامعه اقتضا می‌کند. مثلاً در مورد لباس می‌توان اظهار داشت که پوشاک سه نوع کارایی دارد و حفظ بدن از عوارض طبیعی، حفظ شرم و عفاف و حفظ وقار و آراستگی.

طرح های جدید که به لباس می‌دهند، اختراع و اکتشاف و نوآوری نیست. تغییری ظاهری در اندازه و اجزاء و رنگ و مشخصات ظاهری است. اگر لباس و پوشاکی سه کارایی داشته باشد، تهیه لباس می‌تواند تحت تاثیر عواملی غیر اصیل از جمله تبلیغات تولیدکنندگان، ضعف های روحی، تزلزل شخصیت باشد.

عامل دیگر آسیب پذیری فرهنگ تبلیغات هستند. تبلیغات صوری و وعده های تو خالی باعث کاهش اعتماد مردم می‌شود اگر امروزه بخواهیم به جایی برسیم، یک سلسله وعده هایی بدهیم، در نتیجه از سرمایه ای کاسته خواهد شد که آن اعتماد مردم است.

تبلیغات در تمام سطوح و تمام مراحل باید توأم با عمل و صداقت باشد. حضرت علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر می‌فرماید: اگر به ضعف و اشکالی برخوردی، در مقابل مردم آن ضعف را صادقانه مطرح کن و بگو چرا؟ چه اثری دارد اعلام صادقانه ضعف ما، نارسایی ها و کاستی ها به مردم، برای کسب مشورت، جلب همکاری و استحکام اطمینان و اعتماد آنها ضروری است.

عامل دیگر بازی های رایانه ای است که کودکان روزانه با آن سروکار دارند. و موجب آسیب پذیری فرهنگ عمومی است.

بعد از عواملی که موجب آسیب پذیری فرهنگ عمومی می‌شود باید بگوییم یکی از عوامل بازسازی این فرهنگ عمومی آموزش است. آموزش و پرورش نهادی است که یکی از وظایف اصلی آن فرهنگ آموزی و ثبت مولفه های مثبت فرهنگ و مبارزه با جنبه های منفی فرهنگی است.

این امر هم از طریق آموزش انجام می‌گیرد و هم از طریق پرورش به عبارت دیگر آموزش و پرورش در ارتباط با تثبیت فرهنگ یا مبارزه با جنبه های منفی فرهنگ عمومی هم در حیطه مسائل ذهنی عمل می‌کنند که نقش آموزش به صورت عمده است و هم در حیطه مسائل عینی در جامعه که تغییر رفتاری در بین جوانان و نوجوانان است، دخالت می‌کند. هیچ نهادی به اندازه آموزش و پرورش نمی‌تواند در این دو مورد موثر باشد و در ذهن و روح افراد جامعه نفوذ کند.

در پایان به معرف های اصلی فرهنگ عمومی می‌پردازیم که عبارتند از: 1- فراگیری، 2- استمرار و دوام داشتن، 3 تاثیر قاطع بر رفتار اجتماعی آن هم به صورت خودکار است، 4- نسبیت، بنابراین فرهنگ عمومی مطلق نیست.